



غفلت از جایگاه زن در مکتب امام حسین(ع)/ زن در میدان کربلا نقش مرد را کامل می‌کند

امام موسی صدر در مجموعه سخنرانی های خود در خصوص نهضت امام حسین(ع) با اشاره به اینکه «عنصر زن در مکتب امام حسین(ع) نادیده گرفته شده است» تصریح دارد: پس از واقعه کربلا دنیا دید که علی(ع) دختر خود را چگونه تربیت کرده است؛ سبک تربیتی که در جامعه کنونی فراموش شده است.

امام موسی صدر در مجموعه سخنرانی های خود در خصوص نهضت امام حسین(ع) با اشاره به اینکه «عنصر زن در مکتب امام حسین(ع) نادیده گرفته شده است» تصریح دارد: پس از واقعه کربلا دنیا دید که علی(ع) دختر خود را چگونه تربیت کرده است؛ سبک تربیتی که در جامعه کنونی فراموش شده است.

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن(ایکنا) در طول تاریخ سخنوران بسیاری در خصوص واقعه کربلا و قیام امام حسین(ع) سخنرانی کرده اند. اما در میان این سخنرانان برخی بدون در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و بدون استدلال به هیچ بهانه ای، حسین گونه به میدان مبارزه با باطل رفته و مبارزه کرده اند.

امام موسی صدر یکی از مبارزانی است که علاوه بر مبارزه عملی در میدان جنگ علیه باطل در حوزه سخنرانی، استدلال و شناساندن مکتب حسین(ع) بسیار فعال بوده و مجموعه سخنرانی های ارزشمندی از وی در خصوص واقعه کربلا به جای مانده و در کتابی تحت عنوان «سفر شهادت» گردآوری شده است.

قدر مسلم شناختن قیام امام حسین(ع) از زبان کسانی که عملاً حسین گونه رفتار کرده اند، تأثیری بیش از سخنان کسانی دارد که صرفاً در امنیت نشسته و استدلال کرده اند.

امام موسی صدر معتقد است «عنصر زن در مکتب امام حسین(ع) و در ماجرای کربلا نادیده گرفته شده و در بین ما غایب است». وی استدلال های خود را خصوص این مسئله طی سخنرانی هایی بیان و تصریح کرده است که «باید نقش هایی را که زن در این میدان ایفا کرده است با وضع زنان در این عصر مقایسه کنیم و با مشاهده تفاوت های موجود بکوشیم فاصله ها را پر کنیم و مشکل را حل کنیم».

وی سپس به توصیف صحرای کربلا می پردازد؛ «جایی که نه عابری می گذشت، نه بیننده ای بود و نه کسی می توانست آنچه را که رخ داده است به گوش جهان اسلام برساند» و شرایطی که زینب(س) در آن قرار داشت: کشته شدن برادرها، برادرزاده ها، پسران خود و همه یاران شان، اسارت، غربت، مسئولیت کودکان، پستی دشمن، هجوم دشمن از هر سو و رغبت او به انتقام گیری از دختر علی(ع) و عبور دادن کاروان اسرا از میان قتلگاه ... احساس و رفتار یک زن در این میان چگونه می بایست باشد؟

دنیا دید علی(ع) دختر خود را چگونه تربیت کرده است

امام موسی صدر معتقد است: «دنیا پس از آنکه دریافت علی(ع) چگونه پسران خود را تربیت کرده است، اکنون می خواهد ببیند علی(ع) دختر خود را چگونه تربیت کرده است. زینب به بدن امام حسین(ع) نزدیک شد و آن را از روی زمین بلند کرد و گفت: خدایا این قربانی را از ما بپذیر. این برخورد بدان معنی است که زینب اعلام می کند که ما به خواست خود به این میدان آمده ایم. ما خواسته ایم از اسلام دفاع کنیم، انحرافات و کژی ها را اصلاح و به رفتار زشت حاکمان اعتراض کنیم و از این رو حسین را در این میدان قربانی دادیم».

وی گام به گام حال زینب(س) و عملکرد و رفتار او را شرح می دهد. وقتی را که زینب وارد کاخ عبیدالله می شود؛ همان جایی که روزی مقرر فرماندهی پدرش علی(ع) بر جهان اسلام بود و او بانوی نخست آن دوره. و زینب زیباترین جمله ممکن را می گوید: «به خدا سوگند جز زیبایی ندیدم». و سخنان زینب وقتی در مقابل یزید می ایستد: «من تو را سخت ناچیز می شمارم و بسیار سرزنش می کنم».

امام موسی صدر از انقلاب هایی سخن می گوید که از سخنان زینب نشأت گرفت و در نهایت باز می گردد به نقطه آغاز به تربیت زن. وی معتقد است: «زن در میدان کربلا نقش مرد را کامل می کند و جهاد او را به اتمام می رساند. برای آنکه زن بتواند این رسالت را به دوش بگیرد باید او را پرورش داد. ما نمی توانیم با زن آنگونه که برخی از مردم برخورد می کنند مواجه شویم؛ نباید زن را در خانه خوار و ذلیل کرد. نباید برادر را بر خواهر مسلط کرد، نباید روحیه زن را تضعیف کرد».

گوهر وجودی او را می گیریم و به او ثابت می کنیم که نمی تواند رسالتی بر عهده داشته باشد

وی ادامه می دهد: «در برخی از مناطق با زن به مثابه ابزار تولید مثل برخورد می شود. در مناطق دیگر او را ابزار لذت جویی یا تابلویی هنری می دانند که مرد می خواهد آن را برای همیشه در برابر چشمان خود قرار دهد. با این برخوردها روحیه زن را از او می گیریم گوهر وجودی او را می گیریم و به او ثابت می کنیم که نمی تواند رسالتی بر عهده داشته باشد و هیچ امتیازی جز بهره جنسی و زیبایی و خدمت کردن به مرد ندارد؛ در حالی که رسول خدا در کنار زن می ایستاد تا روحیه او را تقویت کند تا فاطمه و زینب پرورش دهد».

اما موسی صدر تصریح دارد که: «ما در جامعه خود سخت نیازمند آنیم که رسالت دین کامل شود».

به حسینی که شهید گریه می نامندش ایمان ندارم

شاید بهتر است کمی حسینی که امام موسی صدر می شناخت را بیشتر بشناسیم؛ او خود می گوید: «من حسینی که به رنجدیدگان اهتمام ندارد نمی شناسم. به حسینی که شهید گریه می نامندش ایمان ندارم. من به گریه و زاری برای سبک شدن و تخلیه هیجان و ناراحتی ایمان ندارم. ایمان من این است که امکان ندارد امام حسین(ع) جز برای احقاق حق کشته شده باشد. من حسینی که کشته شده است تا من گریه کنم نمی شناسم. من برای امام حسین گریه می کنم تا او را به یاد داشته باشم که او در برابر دنیایی از قدرت ایستاد».

او سوگواری برای امام حسین(ع) را درک نمی کند مگر اینکه بتواند قهرمان تربیت کند قهرمانانی مرد و زن.

منبع: مطالب قرار گرفته داخل گیومه نقل قول مستقیم از کتاب سفر شهادت است.